

تحول هویت نوجوانان پسر ایرانی در بستر ضد روایت زندگی آن‌ها: یک پژوهش کیفی

The Development of Identity of Iranian Male Adolescents in the Context of Counter-Narrative of Their Lives: A Qualitative Research

Yousef jalali

PhD candidate in psychology,
Allameh Tabataba'i University

Ahmad borjali

Professor of Psychology, Allameh
Tabataba'i University

احمد برجلی

استاد روان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

یوسف جلالی*

دانشجوی دکتری روان‌شناسی
دانشگاه علامه طباطبائی

Mohammad asgari

Associate professor of educational
Psychology, Allameh Tabataba'i
Universit

Hossein Eskandari

Professor of Psychology, Allameh
Tabataba'i University

حسین اسکندری

استاد روان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

محمد عسگری

دانشیار روان‌شناسی تربیتی دانشگاه
علامه طباطبائی

Faramarz sohrabi

Professor of Psychology, Allameh Tabataba'i University

فرامرز سهرابی

استاد روان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تحول هویت نوجوانان پسر ایرانی در بستر ضد روایت زندگی آن‌ها بود. روش پژوهش کیفی و همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش در بخش کیفی شامل نوجوانان پسر ۱۵ تا ۲۰ ساله و روان‌شناسان و جامعه‌شناسان شهر تهران در سال ۱۳۹۹ بود. نوجوانان با نمونه‌برداری دردسترس انتخاب شدند و نمونه‌برداری از آنان تا زمان رسیدن به اشباع نظری (۱۹ نفر) ادامه یافت. از میان متخصصان نیز ۶ نفر با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. در بخش کمی، جامعه آماری نوجوانان پسر ۱۵ تا ۲۰ ساله شهر تهران در سال ۱۳۹۹ بود و از بین آن‌ها ۲۱۸ نفر با استفاده از نمونه‌گیری دردسترس انتخاب شدند. گردآوری داده‌ها در بخش کیفی از طریق مصاحبه داستان زندگی (مک‌آدامز، ۱۹۹۵) و در بخش کمی با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته انجام و برای تحلیل داده‌ها در بخش کیفی از روش تحلیل محتوا و در بخش کمی از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. نتایج تحلیل محتوا نشان داد که مدل ضد روایت نوجوانان شامل مؤلفه‌هایی چون سبک زندگی اختیاری، حس منحصربه‌فرد بودن، استقلال‌خواهی و رقابت‌جویی است. نتایج تحلیل عاملی مرتبه اول حاکی از برازندگی مناسب این مدل با داده‌ها بود. نتایج تحلیل عاملی مرتبه دوم نیز نشان داد که حس منحصربه‌فرد بودن بیشترین سهم را در مدل دارد. بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که ارزش‌های مدرن و فردی‌نگر نفوذ چشمگیر در ساختار ضدروایت هویت نوجوانان پسر ایرانی دارد.

واژه‌های کلیدی: روایت پژوهی، ضد روایت، نوجوان، هویت روایتی

Abstract

The aim of this study was to investigate the development of identity of Iranian male adolescents in the context of counter-narrative of their lives. The research method was qualitative and correlational. In the qualitative phase, the population consisted of male adolescents aged 15-20 years old, as well as psychologists and sociologists in Tehran in 2020. The adolescents were selected by the convenience sampling method and the process of sampling was continued until theoretical saturation (19 people). Also, 6 specialists were selected by the purposive sampling. In the quantitative phase, the population consisted of adolescents aged 15-20 years old in Tehran in 2020, from which 218 people were selected by convenience sampling. In the qualitative phase, data were collected through the life story interview (McAdams, 1995) and in the quantitative phase by a researcher-made questionnaire. In the qualitative phase, data were analyzed through the content analysis method and in the quantitative phase through the confirmatory factor analysis. The results of content analysis showed that the counter narrative model of Iranian male adolescents includes components such as voluntary lifestyle, sense of uniqueness, independence-seeking and competitiveness. The results of first-order factor analysis indicated that the model has a good fit with the data. The results of second-order factor analysis also showed that the sense of uniqueness has the most contribution in the counter narrative model of Iranian male adolescents. According to the research findings, it can be concluded that the modern and individualistic values have gained a significant contribution in the structure of counter narrative of Iranian male adolescents.

Keywords: narrative research, counter narrative, adolescent, narrative identity

received: 30 July 2021

accepted: 23 February 2021

دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۸

پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۴

*Contact information: yousefjalali1@gmail.com

برگرفته از رساله دکتری رشته روان‌شناسی عمومی است.

مقدمه

به اعتقاد اریکسون یافتن هویت، تکلیف اصلی دوره نوجوانی و منظور از آن، تشکیل سازه‌های روانی-اجتماعی است که از برداشت فرد از خود، براساس ارزش‌هایی که از دیگران دریافت می‌کند، و از همانندسازی^۲ با دیگران تشکیل می‌شود (اریکسون، ۱۹۸۰). از نظر وی، نوجوانان با احساس یکپارچه و پایدار از هویت اغلب اعتماد به خود بالا و اهداف روشن در زندگی دارد و نوجوان دچار احساس ناپایدار از هویت احساس اضطراب، آشفتگی، سردرگمی و رفتارهای بزهکارانه دارند (لویکس، شوارتز، گوسنس، بیرز و میسون، ۲۰۱۹). یافته‌های پژوهش‌های داخلی نیز (از جمله مجدآبادی فراهانی، فرزاد، شهرآرای و مرادی، ۲۰۱۱) نقش مؤثر هویت را در رفتارهای مشکل‌آفرین دوره نوجوانی نشان می‌دهد و شواهد بسیار حاکی از تغییر رفتار اساسی در نوجوانان ایرانی و میزان مشهود آسیب روانی و اجتماعی به آن‌هاست؛ برای مثال نتایج پژوهش مرزبان (۲۰۱۸) شیوع بالای رفتارهای پرخطر از جمله درگیری فیزیکی در داخل و خارج مدرسه، حمل سلاح سرد در مدرسه، مصرف سیگار در مدرسه، مصرف قلیان، مشروبات الکلی و مواد مخدر را در نوجوانان شهر قم. نتایج پژوهش صفی‌الحسینی، ساکی، حامدی، ساداتی و لشکردوست (۲۰۱۷) نشان‌دهنده شیوع نسبتاً بالای افسردگی در نوجوانان دختر شهر بجنورد است. یافته‌های پژوهش حیدری‌زاده، فرج‌اللهی و اسماعیلی (۲۰۱۷) شیوع ۱۸/۸ درصدی اختلال اضطراب اجتماعی را در نوجوانان شهر کرمانشاه نشان می‌دهد و عطادخت، حمیدی‌فر و محمدی (۲۰۱۴) در پژوهشی استفاده آسیب‌زا از تلفن همراه را در نوجوانان شهر خلخال بیش از ۸۷ درصد برآورد کرده‌اند.

با توجه به اهمیت مسئله هویت در دوره نوجوانی، به احتمال زیاد می‌توان تغییرات اساسی در رفتار

نوجوانان ایرانی و شیوع مشهود آسیب‌های روانی و اجتماعی را در آنان به مسائل هویتی نسبت داد. با این حال، در خصوص هویت نسل فعلی نوجوانان ایرانی و ماهیت آن دانش چندان عمیقی وجود ندارد و دستیابی به درک و بینش در این زمینه نیازمند پژوهش‌های ژرف و همه‌جانبه است. به اعتقاد برخی پژوهشگران، روایت‌پژوهی^۳ بهترین روش برای پاسخگویی به سؤال‌های مربوط به فرایند رشد هویت است (مکلین و پاسیوپاتی، ۲۰۱۹). روان‌شناسان روایتی^۴ به تبعیت از نظریه مک‌آدامز^۵ که اقتباس از نظریه هویت اریکسون است، بر این باورند که هویت داستان زندگی روبرو شد خودساخته افراد است؛ و افراد هویت خود را در داستان‌های زندگی و در قالب پیکربندی طرح، شخصیت، تنظیمات، صحنه و درون‌مایه آشکار می‌سازند. به عبارتی قالب‌بندی^۶ داستان‌هایی که افراد می‌گویند، حقایق مهمی را در مورد هویت شخصی آنان آشکار می‌سازد (سید، ۲۰۱۵). کوهلر (۱۹۸۲) نیز معتقد است افراد، با روایت شخصی زندگی خود، یکپارچگی هویت خود را در طول زمان حفظ می‌کنند. بر این اساس می‌توان ادعا کرد که هویت ماهیت روایتی دارد. مک‌آدامز و مکلین (۲۰۱۳) هویت روایتی^۷ را داستان زندگی درونی شده و در حال رشد فرد می‌دانند که در آن گذشته بازسازی شده و آینده متصور فرد ادغام و یکپارچه می‌شود تا زندگی قدری وحدت و هدفمندی بیابد (سید، ۲۰۱۵). از طریق هویت روایتی، افراد به خودشان و دیگران می‌فهماند که اکنون چه کسی هستند، چگونه به اینجا رسیده‌اند و زندگی‌شان در آینده چگونه خواهد بود (مک‌آدامز و مکلین، ۲۰۱۳).

قابلیت ساخت روایت برای چارچوب‌بندی داستان زندگی و شکل‌دهی به هویت ابتدا در دوره نوجوانی پیدا می‌شود. به عبارتی این قابلیت در جریان تقلدهای نوجوان برای تشکیل هویت شکل می‌گیرد (هابرماس

1 - identity

2 - identification

3 - narrative research

4 - narrative psychologists

5 - McAdams, D. P.

6 - format

7 - narrative identity

و بلاک، ۲۰۰۰). علاوه بر این، هرچند داستان زندگی پدیده‌ای فردی می‌نماید، چنین به نظر می‌رسد که در فرهنگ‌های مختلف فهرست‌های متفاوت از تصاویر، طرح‌ها، درون‌مایه‌ها و موضوعات برای ساختن هویت روایتی عرضه می‌شود و افراد در هر یک از این فرهنگ‌ها این شکل‌های روایتی را برای داستان‌گویی خود برمی‌گزینند، حفظ می‌کنند و تغییر می‌دهند. روایتگران حتی از دوران کودکی از میان این فهرست شکل‌های داستانی را برمی‌گزینند که به‌خوبی تجربه شخصی آنان را شامل می‌شود (مک‌آدامز و مک‌لین، ۲۰۱۳). پژوهشگران این فهرست را کلان‌روایت^۱ می‌نامند (مثلاً، همک و کوهلر، ۲۰۱۹؛ مک‌لین و سید، ۲۰۱۶). کلان‌روایت‌ها همان «نقشه‌های اصلی^۲، راهنماهای کلی^۳، گفتمان‌های غالب^۴، خطوط داستانی^۵ یا متون فرهنگی^۶» هستند (بامبرگ، ۲۰۲۰). درواقع، کلان‌روایت‌ها داستان‌های مشترک فرهنگی هستند که در باب فرهنگشان توضیح می‌دهند. آن‌ها بخشی از ساختار جامعه‌اند که افراد را در مسیر خوب بودن و خوب زندگی کردن در جامعه هدایت می‌کنند. روایت افراد از خود در بافت فرهنگی شکل می‌گیرد، یعنی آنچه افراد در دوره‌های مختلف زندگی به خاطر می‌آورند و تعریفی که از خود می‌کنند، تحت تأثیر ارزش‌ها و انتظارات فرهنگی فرد از آن دوره زندگی است؛ مثلاً به نظر می‌رسد روایت‌های شخصی افراد در فرهنگ‌های جمعی‌نگر با فرهنگ‌های فردی‌نگر متفاوت است. در فرهنگ‌های فردی‌نگر، روایت‌ها بیشتر بر فردیت، یگانگی، استقلال و ابراز خود متمرکز است و در فرهنگ‌های جمعی‌نگر بیشتر بر هم‌رنگی، اطاعت، تعلق گروهی و رعایت ارزش‌های جمعی (مک‌لین، شوکارد و سید، ۲۰۱۶).

مفهوم مهم دیگر در موضوع روایت و هویت روایتی ضد روایت^۷ یا روایت جایگزین است. ضد روایت‌ها روایت‌های شخصی مهم و برهم‌زننده گفتمان مسلط

یا متون غالب (کلان‌روایت‌ها) است (دنزین، ۲۰۱۵؛ لایل، ۲۰۱۶). اصطلاح «ضد روایت» برای روایتی به کار می‌رود که به واسطه ارتباط با یک یا چند روایت دیگر معنا می‌یابد. در عین حال که این رابطه لزوماً رابطه متضاد نیست، نوعی موضع‌گیری در برابر برخی از روایت‌های دیگر دارد و همین جنبه موضع‌گیری که ضد روایت را از سایر اشکال بینامتنیت^۸ متمایز می‌کند. همان‌طور که بامبرگ و اندروز (۲۰۲۰) توضیح داده‌اند، «ضد روایت‌ها فقط در رابطه با چیز دیگری معنا پیدا می‌کنند، چیزی که در تقابل با آن قرار می‌گیرند» (لاندهولت، ماگارد و پیکوت، ۲۰۱۸). به‌طور کلی، موضع‌دار بودن ضد روایت‌ها، به‌عنوان ابزاری برای مخالفت یا مقاومت در برابر روایت‌های کلان فرهنگی و اجتماعی (مثلاً درباره جنسیت، تمایلات جنسی، قومیت، حرفه و ...) قلمداد شده که غالباً هنجاری یا سرکوبگرانه است یا دیدگاه‌ها و تجارب متفاوت با آنچه را از طریق خودشان منتقل می‌شود کنار می‌گذارند. به این معنا، روایان داستان با ضد روایت‌ها در برابر مضامین و ایدئولوژی‌های روایت‌های کلان موضع‌گیری یا به آن‌ها انتقاد می‌کنند. «ضد روایت‌ها» داستان‌هایی هستند مردم می‌گویند و زندگی می‌کنند و شکل مقاومت (خواه علنی خواه ضمنی) در برابر روایت‌های فرهنگی غالب (کلان روایت‌ها) دارند (اندروز، ۲۰۱۴). ضد روایت‌ها آن دسته از تجارب فردی یا جمعی را آشکار می‌سازند که روایت‌های کلان آن‌ها را سرکوب و خاموش می‌کنند یا کنار می‌گذارند و نیاز به بیان داستان‌هایی را برآورده می‌کنند که با تجارب شخصی فرد از خودش مطابقت داشته باشد، به‌ویژه بیان داستان‌هایی که با کلان‌روایت‌های تحمیل‌شده اجتماع، همخوان نباشد. آن‌ها در غیاب سایر روایت‌های موجود، منبعی برای معناسازی هستند (لاندهولت و دیگران، ۲۰۱۸).

با توجه به مفهوم کلان‌روایت و ضد روایت،

- 1 - master narrative
- 2 - plotlines
- 3 - master-plots
- 4 - dominant discourses

- 5 - story lines
- 6 - cultural texts
- 7 - counter-narrative
- 8 - Intertextuality

به احتمال زیاد می‌توان زیربنای مسائل هویتی را در تغییرات رفتاری و آسیب‌های روانی و اجتماعی نوجوانان ایرانی تحولات فرهنگی و اجتماعی مهم جامعه ایران دانست. تحولاتی که ارزش‌هایی نوظهور یا روایت‌هایی جایگزین برای کلان‌روایت‌ها پدید آورده است. شواهد بسیار نشان دهنده نوسازی فرهنگی و آموزشی در جامعه ایرانی است. افراد باسواد از گذشته بیشتر شده‌اند. مؤسسه‌های آموزشی و تحقیقاتی جدید دایر شده و افراد بسیار در آن مؤسسه‌ها مشغول به کار شده‌اند. در جامعه ایرانی تغییرات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی رخ داده، که به نوعی دوگانگی ساختاری بین ساختار سنتی و مدرن منجر شده است. این دوگانگی در سطوح اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و سازمانی آشکار است (آزاد ارمکی و اکبری، ۲۰۱۲). شواهد روزافزون گذار جامعه ایران را از سنتی به مدرن و از حالت جمع‌گرا به فردگرا نشان می‌دهد. برای مثال، یافته‌های پژوهش آزاد ارمکی و اکبری (۲۰۱۲) نشان می‌دهد که ترجیح‌ها و گرایش‌های مدرن در جوانان ایرانی به طرز چشمگیر در حال شکل‌گیری و تثبیت است. طبعاً این گذار با تغییر بسیاری از اصول، ارزش‌ها و هنجارها همراه است. این تغییرات بنیادین باعث می‌شود در عادات، سنت‌ها، هنجارها و به طور کلی قواعد عمومی زندگی اجتماعی، که از قدیم در جامعه وجود داشته، تردید شود و موجب می‌شود افراد، خودخواسته و اندیشمندانه، در مورد قواعد و اصول زندگی خود، در شرایط جدید که با دوران گذشته تفاوت چشمگیر دارد، بازاندیشی و آن‌ها را بازسازی کنند (آزاد ارمکی و اکبری، ۲۰۱۲). گذار از جامعه سنتی به مدرن، با تغییر روایت‌ها و تردید در کلان‌روایت‌ها و ظهور ضد روایت‌ها در میان افراد جامعه همراه است. ایران از دیرباز جامعه‌ای سنتی و جمع‌گرا بوده و می‌توان بسیاری از ارزش‌ها و گفتمان‌های غالب یا به کلان‌روایت‌های موجود در آن را با اندکی تأمل درک کرد. برای مثال، به نظر می‌رسد کلان‌روایت نوجوانان مبتنی بر ارزش‌هایی چون احترام به والدین و بزرگ‌ترها، وابستگی به خانواده، جمع‌گرایی، هم‌رنگی با دیگران، اطاعت از والدین، پایبندی به اعتقادات

دینی، احترام به اولیای الهی و ... باشد، اما اینکه ضد روایت‌های آن‌ها چیست تقریباً ناشناخته است و لذا با توجه به نقش ضد روایت در ساختار هویتی، تغییرات رفتاری و آسیب‌شناسی نوجوانان واکاوی آن در نوجوانان ایرانی ضروری است؛ زیرا به بهبود درک و شناخت از رفتارهای نوجوانان، تعامل مؤثرتر با آنان و طراحی برنامه‌ها و سیاست‌های مناسب برای آنان کمک می‌کند. این پژوهش در پی پاسخگویی به این سؤال است که الگوی ضد روایت هویت نوجوانان پسر ایرانی چگونه است؟

روش

این پژوهش از نظر هدف بنیادی و از نظر رویکرد آمیخته و شامل روش‌های کیفی و کمی است. در مرحله کیفی از روش روایت‌پژوهی، که رویکردی استقرایی و اکتشافی است، و در مرحله کمی از روش همبستگی از نوع تحلیل عاملی تأییدی استفاده شده است. در بخش کیفی، جامعه آماری شامل نوجوانان پسر ۱۵ تا ۲۰ ساله و متخصصان شهر تهران در سال ۱۳۹۹ بود. نوجوانان با استفاده از نمونه‌گیری دردسترس انتخاب شدند و نمونه‌گیری از آنان تا زمان رسیدن به اشباع نظری (۱۹ نفر) ادامه یافت. نمونه‌برداری از طریق فراخوان در شبکه‌های اجتماعی چون اینستاگرام، تلگرام، شاد، لینکدین، واتساپ و غیره صورت گرفت. از میان متخصصان نیز ۶ نفر با استفاده از نمونه‌برداری هدفمند انتخاب شدند. منظور از متخصص، افراد دارای حداقل مدرک دکتری در یکی از گرایش‌های روان‌شناسی و جامعه‌شناسان دارای حداقل مدرک دکتری در دانشگاه‌های شهر تهران بود. در بخش کمی نیز جامعه آماری پسران ۱۵ تا ۲۰ ساله شهر تهران در سال ۱۴۰۰ بودند که از بین آن‌ها ۲۱۸ نفر با استفاده از نمونه‌برداری دردسترس انتخاب شدند. در مرحله کیفی ابزار پژوهش مصاحبه بود. مصاحبه با هر شرکت‌کننده نیز طی یک تا دو جلسه ۴۵ تا ۶۰ دقیقه‌ای انجام شد. در مرحله کمی پژوهش نیز بر اساس نتایج مصاحبه و الگوی مستخرج از آن به‌علاوه نظرات گروه کانونی (۳ روان‌شناس و ۳ جامعه‌شناس) پرسشنامه‌ای ساخته شد

که با اجرای آن بر روی نمونه‌ای شامل ۲۱۸ نفر به اعتبارسنجی الگوی مزبور پرداخته شد. در این پژوهش، به دلیل به‌کارگیری طرح آمیخته، از روش‌های تحلیل کیفی و کمی برحسب نیازهای پژوهشی استفاده شد. در بخش کیفی از طریق تحلیل محتوای روایت‌های زندگی شرکت‌کنندگان، با استفاده از بازگویی داستان‌ها و ایجاد مضامین، الگوی ضد روایت آن‌ها استخراج شد. در بخش کمی نیز بر زندگی الگوی مستخرج، از طریق روش تحلیل عاملی تأییدی، بررسی شد. جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش با استفاده از ابزارهای زیر صورت پذیرفت:

مصاحبه داستان زندگی^۱. مک‌آدامز (۱۹۹۵)

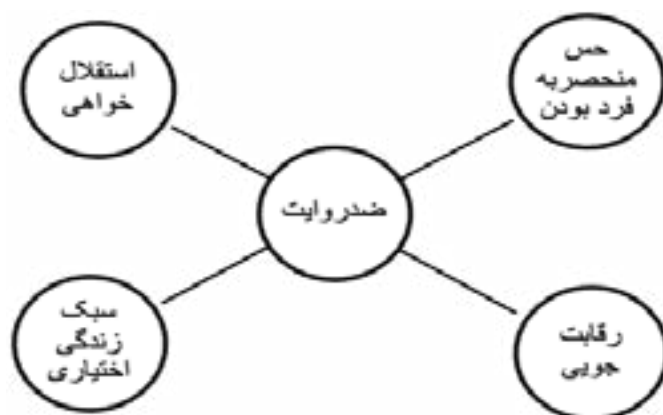
به نقل از مک‌آدامز، (۲۰۰۱) به منظور دستیابی به تفاوت افراد و درک آن‌ها از زندگی‌شان فرم مصاحبه‌ای تدوین کرد. در این مصاحبه از افراد خواسته می‌شود که نقش فرد داستان‌گویی را بازی کنند که داستان زندگی خودش را می‌گوید. مصاحبه به چند بخش تقسیم می‌شود. در بخش‌های مقدماتی فصل‌های کلی زندگی افراد جست‌جو و به‌تدریج در بخش‌های بعد به جزئیات پرداخته می‌شود. بخش‌های مختلف مصاحبه عبارت‌است از: فصل‌های زندگی، اتفاق‌های مهم، مهم‌ترین چالش زندگی، عوامل مؤثر بر داستان زندگی (مثبت و منفی)، داستان‌های مهم، آینده پیشنهادی فرد برای داستان زندگی، طرز فکر شخصی، موضوع زندگی و موارد باقیمانده (مک‌آدامز، ۲۰۰۱).

پرسشنامه محقق‌ساخت: در این پژوهش بر اساس مؤلفه‌های مستخرج از متن مصاحبه‌ها و تعاریف نظری آن‌ها پرسشنامه‌ای طراحی شد تا بدین وسیله اعتبار بیرونی الگوی مستخرج از مصاحبه‌ها سنجیده شود. این پرسشنامه در وهله نخست حاوی ۵۶ ماده بود و پس از ارسال به متخصصان ذیربط (۵ روان‌شناس) و دریافت نظریات آن‌ها برای تعیین روایی محتوا، به ۳۵ ماده کاسته شد. پس از جمع‌آوری داده‌ها، از مجموع ۳۵ ماده باقیمانده نیز ۱۶ ماده از طریق بررسی

ضرایب آلفای کرونباخ و بارهای عاملی آن‌ها حذف شد. ماده‌هایی که حذفشان باعث افزایش آلفای سازه مربوط به آن‌ها می‌شد و ماده‌هایی که بار عاملی آن‌ها زیر ۰/۳۰ بود از تحلیل نهایی کنار گذاشته شد. پرسشنامه نهایی ۱۹ ماده داشت و ضریب همسانی درونی آن از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸۶ به دست آمد.

یافته‌ها

نمونه اولیه این پژوهش شامل پسران دانش‌آموز و دانشجوی مقیم شهر تهران بود. در مجموع با ۳۰ پسر در دامنه سنی ۱۵ تا ۲۰ سال مصاحبه و از این تعداد داده‌های ۱۹ نفر از آنان، با میانگین سنی ۱۷/۲۴ سال، تحلیل شد زیرا پاسخ‌های ۷ نفر از شرکت‌کنندگان کوتاه و ناقص بود و روایت مشخصی در برداشت. نتایج مصاحبه با ۴ نفر از آن‌ها یعنی نفرات ۹، ۲۱، ۲۲ و ۲۳ نیز تکراری بود و داده‌های جدیدی به دست نداد؛ بنابراین، پس از پایان مصاحبه با نفر بیست و سوم جمع‌آوری داده‌ها متوقف شد و نمونه به اشباع نظری رسید. نتایج حاصل از تحلیل محتوای مصاحبه با ۱۹ شرکت‌کننده باقیمانده به استخراج مجموعه‌ای از مضامین نسبتاً شایع منجر شد. حد نصاب لازم برای تعیین شایع بودن یک مضمون تکرار آن مضمون در متن مصاحبه حداقل یک‌سوم از شرکت‌کنندگان (بیش از ۶ نفر) بود. بر اساس استخراج مضامین شایع گزارش‌های نوجوانان در مورد با الگوی ضد روایت هویت نوجوانان پسر ایرانی می‌توان گفت این الگو عموماً در بردارنده عناصری چون پیگیری و بیان علاقه‌مندی‌ها یا گرایش‌های شخصی (سبک زندگی اختیاری)، استقلال خواهی، رقابت‌جویی، بی‌اعتمادی، لذت‌جویی و حس منحصربه‌فرد بودن است. با این حال، پس از مشورت با متخصصان ذیربط (سه روان‌شناس و سه جامعه‌شناس) و نظرخواهی از آنان مضامین مستخرج به چند مؤلفه اساسی تقلیل داده و در قالب مدل ضد روایت خلاصه شد. مدل مفهومی ضد روایت در شکل ۱ آمده است.



شکل ۱. مدل مفروض ضد روایت نوجوانان پسر ایرانی

پرسشنامه در دو بخش توصیفی و استنباطی آمده است. در بخش نخست، یافته‌های مربوط به میانگین، انحراف استاندارد، کجی و کشیدگی متغیرهای آشکار پژوهش یعنی مآده‌های پرسشنامه در جدول ۱، آمده است. شایان یادآوری است که چون تعداد افراد نمونه برای همه مآدها ۲۱۸ نفر بوده، ستون مربوط به حجم نمونه از جدول حذف شده است. ضمناً مآدهای پرسشنامه براساس مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای (کاملاً مخالفم ۱، مخالفم ۲، نظری ندارم ۳، موافقم ۴ و کاملاً موافقم ۵) نمره‌گذاری شده است.

همان‌طور که در شکل ۱ مشاهده می‌شود، مدل مفروض ضد روایت نوجوانان پسر ایرانی از چهار مؤلفه اصلی تحت عناوین حس منحصر به فرد بودن^۱، سبک زندگی اختیاری^۲، استقلال خواهی^۳ و رقابت جویی^۴ تشکیل شده است.

پس از تعیین اعتبار درونی الگو از طریق نظرخواهی از متخصصان و مطالعه منابع مربوط، بر اساس مؤلفه‌های مستخرج و تعاریف نظری آن‌ها پرسشنامه‌ای طراحی و اجرا شد. در بخش بعد، یعنی بخش کمی پژوهش، یافته‌های حاصل از اجرای

جدول ۱

میانگین، انحراف استاندارد، کجی و کشیدگی مآدهای پرسشنامه

متغیر	مآده	M	SD	کجی	کشیدگی
حس منحصر به فرد بودن	۱. خودم را متفاوت از دیگران می‌بینم، بی‌آنکه احساس تنهایی، بیگانگی و درک‌نشدن بکنم.	۳/۳۸	۱/۳۳	-۰/۱۹	-۱/۰۸
	۲. ویژگی‌هایی دارم که خاص خودم است و باعث می‌شود احساس ارزشمند بودن بکنم.	۴/۰۴	۱/۰۹	-۰/۹۵	-۰/۰۸
	۳. وقتی مردم بیشتر با من آشنا می‌شوند، ویژگی‌های خاص من را تشخیص می‌دهند.	۳/۸۹	۱/۰۰	-۰/۶۷	-۰/۱۱
	۴. احساس می‌کنم برخی از خصوصیاتم کاملاً مختص خودم است.	۴/۰۶	۱/۱۰	-۱/۳۱	۱/۴۱
سبک زندگی اختیاری	۱. در انتخاب‌ها و تصمیم‌گیری‌های زندگی در درجه اول به علائق و نیازهای شخصی خود توجه می‌کنم.	۳/۹۳	۱/۰۴	-۰/۸۹	-۰/۲۵
	۲. نباید علائق خود را قربانی نظریات و خواسته‌های دیگران کنیم.	۴/۳۶	۰/۹۶	-۱/۸۹	۳/۶۱
	۳. به طور جدی اهداف و رؤیاهای خود را دنبال می‌کنم، حتی اگر دیگران آن‌ها را مسخره بدانند.	۴/۲۷	۱/۰۰	-۱/۳۸	۱/۴۶
۴. علائق و اهداف شخصی خود را به راحتی بیان می‌کنم.	۳/۷۶	۱/۲۲	-۰/۷۰	-۰/۵۶	

1 - sense of uniqueness

2 - voluntary lifestyle

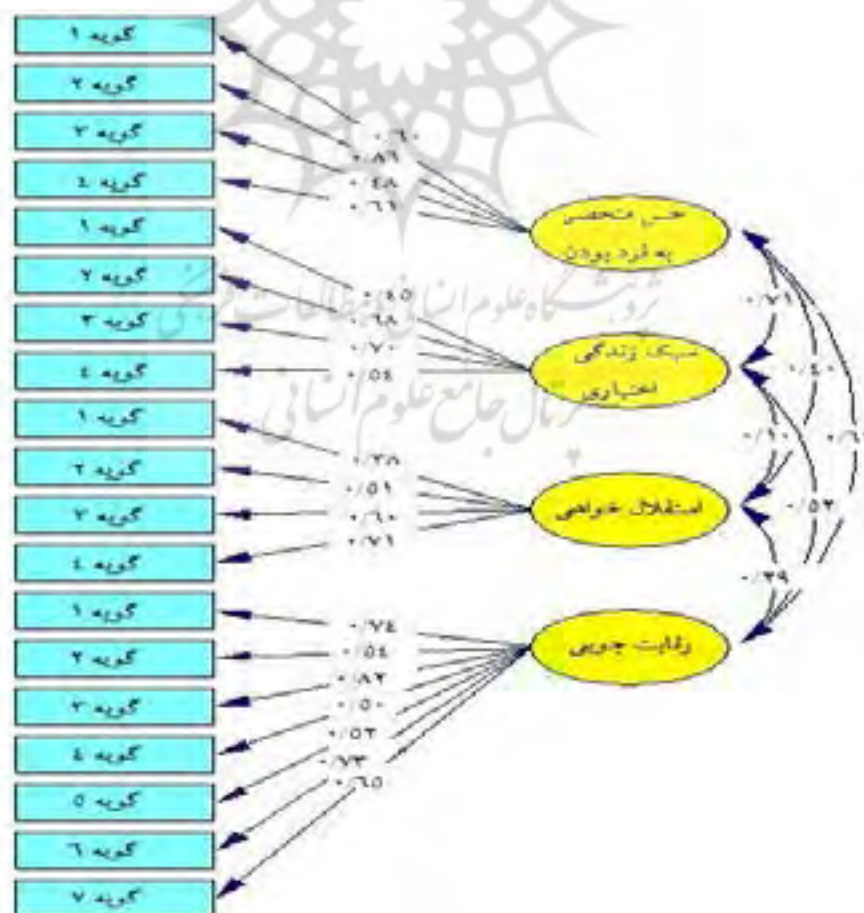
3 - independence-seeking

4 - competitiveness

۰/۳۳	-۰/۸۵	۱/۲۵	۳/۸۹	۱. دلم نمی‌خواهد والدینم به جای من تصمیم‌گیری کنند.	استقلال خواهی
۰/۴۰	-۰/۵۳	۱/۰۲	۳/۸۲	۲. می‌خواهم در انجام امور روزمره‌ام فقط به خودم متکی باشم.	
۰/۳۶	-۰/۷۶	۱/۲۰	۳/۸۴	۳. نمی‌خواهم از لحاظ مالی به خانواده‌ام متکی باشم.	
۰/۴۸	-۰/۶۰	۱/۲۱	۳/۶۴	۴. نمی‌خواهم برای رفع نیازهایم به خانواده‌ام وابسته باشم.	
۰/۴۷	-۱/۰۸	۱/۰۱	۴/۱۸	۱. رقابت با دیگران را خیلی دوست دارم.	رقابت‌جویی
-۱/۰۰	-۰/۳۹	۱/۳۰	۳/۵۰	۲. نمی‌توانم غلبه یا برتری دیگران را بر خود تحمل کنم.	
۰/۳۹	-۱/۰۴	۰/۹۷	۴/۱۵	۳. برای پیروز شدن بر دیگران خیلی انگیزه دارم.	
-۰/۶۹	-۰/۶۰	۱/۲۲	۳/۷۳	۴. غلبه کردن بر دیگران موجب احساس بسیار خوشایندی در من می‌شود.	
-۰/۵۰	-۰/۴۴	۱/۱۸	۳/۵۴	۵. در موقعیت‌های رقابتی بهتر از موقعیت‌های انفرادی عمل می‌کنم.	
-۰/۱۵	-۰/۹۶	۱/۱۷	۴/۰۳	۶. زمانی که در جمع یا گروه قرار می‌گیرم دلم می‌خواهد بهترین باشم.	
-۰/۳۱	-۰/۸۶	۰/۸۷	۴/۲۶	۷. تلاش زیادی می‌کنم تا کارهایم را بهتر از دیگران انجام دهم.	

این، نتایج مربوط به کجی و کشیدگی نرمال بودن توزیع داده‌های همه متغیرها را نشان می‌دهد. در این قسمت مدل مفهومی پژوهش یعنی مدل ضد روایت آزمون و برای آزمون این مدل مزبور روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. نتایج آزمون مدل در حالت ضرایب استاندارد در شکل ۲ آمده است.

همان‌گونه که نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد، میانگین همه متغیرهای پژوهش نسبتاً بالا است، ضمن آنکه بیشترین میانگین (۴/۳۶) مربوط به ماده «نباید علائق خود را قربانی نظریات و خواسته‌های دیگران کنیم» و کمترین میانگین (۳/۳۸) مربوط به ماده «خودم را متفاوت از دیگران می‌بینم بی‌آنکه احساس تنهایی، بیگانگی و درک‌نشدن بکنم» است. علاوه بر



شکل ۲. تحلیل عاملی تأییدی مدل ضد روایت در حالت تخمین ضرایب استاندارد

با توجه به نتایج شکل ۲، همه متغیرهای آشکار (ماده‌ها) همبستگی متوسط تا نسبتاً بالای با سازه مربوط به خود دارد. در سازه حس منحصر به فرد بودن، متغیر «ویژگی‌هایی دارم که خاص خودم است و باعث می‌شود احساس ارزشمند بودن بکنم» بیشترین بار عاملی را با ۰/۸۶ دارد که نشان می‌دهد حدود ۷۴ درصد از واریانس این متغیر را این سازه تبیین می‌کند. در سازه سبک زندگی اختیاری، متغیر «به طور جدی اهداف و رؤیاهای خود را دنبال می‌کنم حتی اگر دیگران آن‌ها را مسخره بدانند» بیشترین بار عاملی را با ۰/۷۰ دارد، که نشان می‌دهد ۴۹ درصد از واریانس این متغیر را این سازه تبیین می‌کند. در سازه استقلال خواهی، متغیر «نمی‌خواهم برای رفع نیازهایم به خانواده‌ام وابسته

باشم» بیشترین بار عاملی را با ۰/۷۱ دارد، که نشان می‌دهد حدود ۵۰ درصد از واریانس این متغیر را این سازه تبیین می‌کند. در سازه رقابت‌جویی متغیر «برای پیروز شدن بر دیگران خیلی انگیزه می‌گیرم» بیشترین بار عاملی را با ۰/۸۲ دارد که نشان می‌دهد حدود ۶۷ درصد از واریانس این متغیر را این سازه تبیین می‌کند. به منظور بررسی معناداری ضرایب استاندارد موجود در مدل نیز این ضرایب تبدیل به مقادیر t شد و نتایج نشان داد که همه ضرایب در سطح $p < ۰/۰۵$ معنادار است. در مرحله بعد برای آنکه نشان بدهیم نتایج به دست آمده تا چه حد با واقعیت‌های موجود در مدل همخوانی دارد، شاخص‌های برازندگی مدل بررسی شد که نتایج آن در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲

شاخص‌های برازندگی مدل ضد روایت

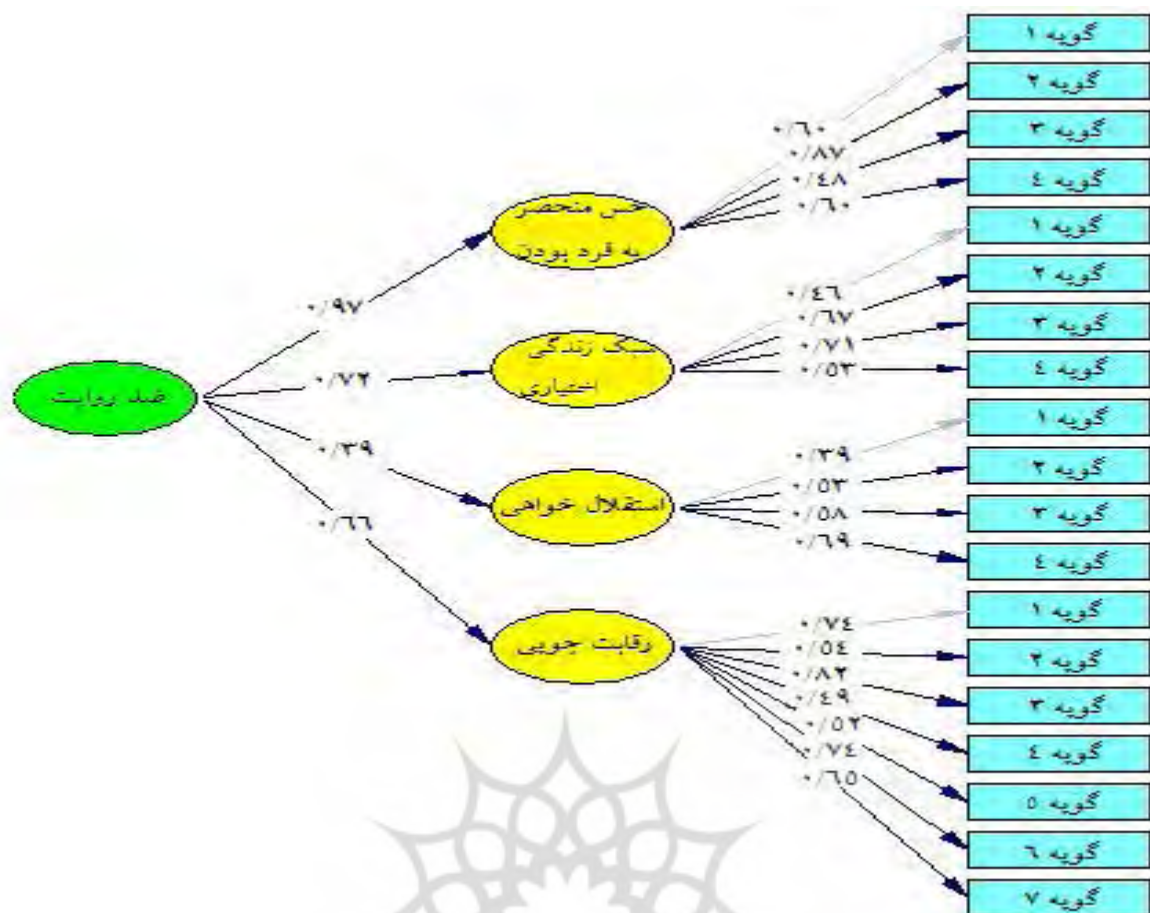
شاخص	برآوردهای مدل	حد مجاز	نتیجه
خی دو بر درجه آزادی (χ^2/df)	$146 = 2/76 \div$ ۴۰۳/۶۰	کمتر از ۳	تأیید
ریشه میانگین مربعات خطای برآورد ^۱ RMSEA	۰/۰۷	کمتر از ۰/۰۸	قابل قبول
شاخص برازندگی تطبیقی ^۲ CFI	۰/۹۱	بالاتر از ۰/۹	خوب
شاخص برازندگی هنجار شده ^۳ NFI	۰/۹۰	بالاتر از ۰/۹	خوب
شاخص برازندگی افزایشی ^۴ IFI	۰/۹۱	بالاتر از ۰/۹	خوب
شاخص توکر لویس ^۵ TLI	۰/۹۳	بالاتر از ۰/۹	خوب

همان‌طور که شاخص‌های برازندگی در جدول ۲ نشان می‌دهد، داده‌های تجربی این پژوهش برازندگی مناسب با مدل مفروض پژوهش در خصوص ضد روایت هویت نوجوانان پسر دارد. با توجه به برازندگی این مدل، به منظور بررسی

عمیق‌تر آن، متغیر ضد روایت را نیز وارد مدل کردیم تا نسبت آن با هر یک از مؤلفه‌هایش روشن‌تر شود. به همین منظور، از روش تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم استفاده شد نتایج حاصل شکل ۳ آمده است.

1 - Root Mean Square Error of Approximation
2 - Comparative Fit Index
3 - Normed Fit Index

4 - Incremental Fit Index
5 - Tucker-Lewis index



شکل ۳. تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم مدل ضد روایت در حالت تخمین ضرایب استاندارد

شد. تحلیل جزئی تر نتایج نشان داد که در مدل ضد روایت به ترتیب حس منحصر به فرد بودن، سبک زندگی اختیاری، رقابت جویی و استقلال خواهی بیشترین سهم را دارد. با توجه به ماهیت اکتشافی این پژوهش و نبود پژوهش‌های مشابه در داخل کشور مقایسه و بررسی همسویی نتایج تقریباً ممکن نیست. علاوه بر این، از آنجایی که این پژوهش بسیار ماهیت بومی دارد، مقایسه نتایج با پژوهش‌های خارجی مشابه نیز امکان پذیر نیست. با وجود این برجستگی ارزش‌های مدرن و فردی‌نگرانه چون سبک زندگی اختیاری، حس منحصر به فرد بودن، استقلال خواهی و رقابت جویی در ضد روایت زندگی نوجوانان ایرانی، شایان توجه بسیار است. یافته‌ای که نشان می‌دهد با وجود دیرینگی و استحکام قابل توجه ارزش‌های سنتی و جمع‌گرایانه در ساختار فرهنگی جامعه ایران، ارزش‌های مدرن و فردی‌نگرانه در فرایند شکل‌گیری روایت زندگی نوجوانان ایرانی، یا به عبارتی هویت آنان، دارد.

شکل ۳ نتایج تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم را برای بررسی بارهای عاملی مرتبه دوم مربوط به سازه «ضد روایت» در حالت ضرایب استاندارد نشان می‌دهد. از بین بارهای عاملی مرتبه دوم، «حس منحصر به فرد بودن» بیشترین بار عاملی (0/97) و «استقلال خواهی» کمترین بار عاملی (0/39) را روی سازه ضد روایت دارد. بار عاملی «سبک زندگی اختیاری» و «رقابت جویی» روی سازه ضد روایت نیز به ترتیب 0/72 و 0/66 است. در وهله بعد به منظور بررسی معناداری ضرایب استاندارد مدل، این ضرایب تبدیل به مقادیر t شد و نتایج نشان داد که همه ضرایب در سطح $p < 0/05$ معنادار است.

بحث

این پژوهش با هدف شناسایی و اعتباریابی الگوی ضد روایت هویت نوجوانان انجام شد. یافته‌های پژوهش موجب شناسایی الگویی از ضد روایت، شامل مؤلفه‌هایی چون سبک زندگی اختیاری، حس منحصر به فرد بودن، استقلال خواهی و رقابت جویی،

در ادامه مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده ضد روایت نوجوانان و معانی مستتر در آن‌ها را بررسی خواهیم کرد. حس منحصر به فرد بودن نشان‌دهنده نوعی «خود ارزشمندی غیر مشروط»^۱ است که در آن فرد ویژگی‌هایی را در خود تشخیص می‌دهد که به او فردیت می‌دهد و با تأمل در آن‌ها حس ارزشمندی را تجربه می‌کند که ذاتی «خود» و غیرقابل تفکیک از «خود» است (دمیر، سیمسک و پروکسال، ۲۰۱۳). شیمشک و یالینچتین (۲۰۱۰) نیز حس منحصر به فرد بودن را احساس نسبتاً متفاوت بود اما در عین حال بالارزش بودن تعریف می‌کنند. از این رو می‌توان گفت، بر اساس یافته‌های این پژوهش، نسل فعلی نوجوانان ایرانی بیش از هر چیز بر این باورند که شخصیتی یگانه و بی‌نظیر دارند و به این یگانگی و بی‌همتایی می‌بالند. در واقع، نوجوانان ایرانی نه تنها به واسطه برخورداری از ویژگی‌های خاص و متمایز از دیگران، احساس درک نشدن، تنهایی و بیگانگی نمی‌کنند، بلکه داشتن چنین ویژگی‌هایی به آن‌ها احساس ارزشمندی نیز می‌بخشد، لذا می‌توان گفت نوجوانان ایرانی در تعریف خویش بر یگانگی و بی‌همتایی خود تأکید دارند و حس منحصر به فرد بودن از عناصر اساسی تعریف آن‌ها از هویتشان است. سبک زندگی اختیاری، یعنی سبکی بر اساس علایق، ترجیحات و انگیزه‌های شخصی که تابع کلیشه‌های اجتماعی ثابت نیست. در این سبک، افراد نوع زیستن خویش را بر اساس افکار و احساسات خویش برمی‌گزینند و از ابراز وجود متفاوت با دیگران ابایی ندارند (بودنر و کوهن-فریدل، ۲۰۱۰). انتخاب فردی (در برابر الزام اجتماعی) و میزان آشکار بودن دو شاخص اصلی سبک زندگی اختیاری است (چانی، ۱۹۹۶). هر چه سبک زندگی بیشتر بر اساس ترجیحات و علایق افراد انتخاب شود، بیشتر اختیاری می‌شود و بالعکس هر چه افراد بر اثر فشارهای اجتماعی و ترجیحات هنجاری بیشتر به سبک زندگی مرسوم تن دهند، سبک زندگی آنان بیشتر اجباری و تقلیدی خواهد بود. در واقع، سبک زندگی اختیاری

شیوه‌ای آگاهانه برای زیستن است که بر اساس انتخاب، اراده و علایق فردی برگزیده می‌شود، اما در سبک زندگی اجباری فعلیت افراد در حداقل ممکن است و الزامات و اجبارهای اجتماعی سبک زندگی آنان را تعیین و دیکته می‌کند. منظور از شاخص آشکار بودن نیز این است که افراد تا چه حد تمایل به بروز رفتارها و کردارهای خویش در قالب علایق و ترجیحات شخصی در محافل و مجامع عمومی دارند. به بیان دیگر، در حالت آشکار بودن، تفاوت ماهوی در افکار، گفتار و کردار افراد در فضای خصوصی و عمومی وجود ندارد و نیازی به پنهان‌کاری نیست؛ لذا، هر چه سبک زندگی آشکارتر باشد، میزان اختیاری بودن آن بیشتر است و بالعکس هر چه افراد سعی کنند از ابراز وجود و نشان دادن خصوصیات هویتی خویش پرهیز کنند، بیشتر به سبک زندگی اجباری کشانده خواهند شد (نویدنیان، ۲۰۱۴). بر اساس یافته‌های این پژوهش، نسل فعلی نوجوانان ایرانی سبک زندگی خویش را عموماً بر پایه علایق و گرایش‌های شخصی خویش برمی‌گزینند و از ابراز و آشکارسازی ترجیحات و خواسته‌های شخصی خویش واهمه‌ای ندارند. در واقع، به نظر می‌رسد نوجوانان ایرانی علایق شخصی خویش را قربانی خواسته‌ها و انتظارات دیگران نمی‌کنند و این علایق را به دلایلی چون مصلحت‌اندیشی و هم‌رنگی با دیگران کتمان نمی‌کنند؛ به عبارت دیگر، نسل فعلی نوجوانان عموماً گرایش به نفی سبک زندگی تحمیل شده خانواده و اجتماع دارند. انجمن روان‌شناسی آمریکا^۲ (۲۰۱۸) استقلال را به صورت «رها بودن از نفوذ یا کنترل افراد یا گروه‌های دیگر» تعریف کرده و در نظریه خودتعیین‌گری دسی و رایان نیز استقلال «شرایط متکی نبودن به دیگران برای حمایت، کمک یا سایر منابع مورد نیاز» تعریف شده است (رایان، ۱۹۹۳). با توجه به همپوشی نسبتاً بالای این دو تعریف می‌توان آن‌ها را در هم آمیخت و استقلال‌خواهی را این‌گونه تعریف کرد: تمایل فرد به رها بودن از نفوذ یا کنترل افراد یا گروه‌های دیگر و تلاش برای

متکی نبودن به حمایت دیگران، کمک آن‌ها یا سایر منابع مورد نیاز. از این‌رو می‌توان گفت بر اساس یافته‌های این پژوهش، نوجوانان ایرانی عموماً گرایش به مستقل بودن دارند و در صدد رهایی‌بخش از نفوذ، کنترل و سلطهٔ دیگران هستند. این افراد قطع وابستگی به حمایت و کمک دیگران را بسیار مهم و استقلال و اتکا به خود را عنصری ضروری در تعریف خویش‌نمایی می‌دانند. می‌توان گفت نوجوانان ایرانی عموماً در پی آنند که به طور مستقل تصمیم بگیرند و زندگی خویش را اداره کنند. رقابت‌جویی را هم انجمن روان‌شناسی آمریکا (۲۰۱۸) تحت عنوان «گرایش به جست‌وجوی موقعیت‌های رقابتی عینی و مقایسهٔ عملکرد خود با استاندارد یا فرد دیگری با توانایی مشابه» تعریف کرده است. بنابراین بر اساس یافته‌های این پژوهش، نوجوانان ایرانی عموماً رقابت‌جو هستند و تفوق و برتری یافتن بر دیگران را بسیار مهم می‌دانند، طوری که گویا احساس موفقیت آن‌ها عموماً مبتنی بر مقایسهٔ خود با دیگران و احساس برتری و موفقیت نسبت به آن‌ها است. به عبارت دیگر، مقایسهٔ عملکرد خود با دیگران نقش مهمی در شکل‌گیری ضد روایت هویت نسل فعلی نوجوانان دارد و آنان در تعریفشان از خویش بر موفقیت و برتری نسبت به دیگران تأکید ویژه دارند.

ارزش‌های مدرن و فردی‌نگر نفوذ چشمگیر بر ساختار ضد روایت هویت نوجوانان پسر ایرانی دارد و از دلایل احتمالی تغییرات رفتاری چشمگیر در نسل فعلی نوجوانان ایرانی مواردی چون تضعیف ارزش‌های سنتی نسبت به نسل‌های پیشی، تضاد نسبی این ارزش‌ها با ارزش‌های مدرن و نوظهور جامعه و احتمالاً وضعیت افراطی برخی ارزش‌های نوظهور بوده است. محدودیت‌های این پژوهش عبارت بود از: نبود امکان نمونه‌گیری تصادفی به دلیل محدودیت‌های ناشی از همه‌گیری ویروس کرونا و کمبود پژوهش‌های مشابه به‌ویژه در داخل کشور که مقایسهٔ نتایج این پژوهش را با پژوهش‌های مشابه تقریباً ناممکن می‌کرد. پیشنهاد می‌شود این پژوهش با نمونه‌هایی از نوجوانان دختر

و نوجوانان سایر شهرهای ایران صورت بگیرد. علاوه بر این، از آنجایی که شرکت‌کنندگان در این پژوهش از طبقهٔ متوسط جامعه بودند، در تعمیم یافته‌ها به سایر طبقات جامعه باید محتاط بود. پیشنهادهای کاربردی زیر هم برای روان‌شناسان، مشاوران، معلمان، والدین، سیاست‌گذاران و کلیهٔ افرادی سودمند است که ارتباط نزدیک با نوجوانان دارند: ۱. برای تعامل مؤثر با نسل فعلی نوجوانان، بهتر است تفاوت‌های اساسی آن‌ها را با نسل‌های پیشی پذیرفت و تغییرات رفتاری، ظاهری، نگرشی و ارزشی آن‌ها را نه به حساب بیماری و اختلال بلکه در وهلهٔ نخست به حساب تغییرات فرهنگی سریع و ناگهانی گذاشت؛ ۲. امروزه به دلیل رشد سریع و گستردهٔ فناوری‌های ارتباطی فوق پیشرفته، دسترسی به انواع اطلاعات، داده‌ها، ارزش‌ها و فرهنگ‌ها تسهیل شده و بنابراین، مواجهه اکثریت نوجوانان با دنیای مجازی و ارزش‌ها، هنجارها و به طور کلی سبک زندگی موجود در آن، امری اجتناب‌ناپذیر است. بدیهی است که سبک زندگی موجود در دنیای مجازی به تأسی از پدیدهٔ جهانی شدن بیشتر نشان دهندهٔ ارزش‌های مدرن و فردگرایانه‌ای چون استقلال، فردیت، یگانگی، قدرت انتخاب، پیگیری و ابراز علائق شخصی، لذت‌جویی و تنوع‌طلبی است و طبیعی است که طیف گسترده‌ای از نوجوانان از این ارزش‌ها بسیار استقبال کنند. بنابراین، به جای مقاومت در برابر این موج و نفی کلی این ارزش‌ها، بهتر است آن‌ها را محترم شماریم و به نوجوانان در انتخاب ارزش‌هایشان آزادی عمل بدهیم، چراکه هرگونه اصرار به تداوم ارزش‌های سنتی موجب افزایش سردرگمی نوجوانان می‌شود و به افزایش تنش و فاصله با آن‌ها نیز می‌انجامد؛ ۳. در دنیای بی‌ثبات، متغیر و پرتضاد امروزی و در مواجههٔ بی‌وقفه با بمباران اطلاعاتی، انتخاب معنا یا مبنای ارزشی برای نوجوانان، که شناخت و تجربهٔ کافی ندارند، بسیار دشوار و طاقت‌فرساست. از این‌رو، نوجوانان بیش از هر زمان دیگری نیازمند هدایت و راهنمایی و دریافت اطلاعات معتبر از والدین، معلمان، مربیان و افراد باتجربه هستند.

- Denzin, N. (2015). Emancipatory discourses and the ethics and politics of interpretation. In N. K. Denzin & Y. S. Lincoln (Eds.), *Handbook of Qualitative Research* (pp. 933-958). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Erikson, E. (1980). *Youth and identity*. New York: Norton.
- Habermas, T., & Bluck, S. (2000). Getting a life: The emergence of the life story in adolescence. *Psychological Bulletin*, 126(5), 748-769.
- Hammack, P. L., & Cohler, B. J. (2019). Narrative, identity, and the politics of exclusion: Social change and the gay and lesbian life course. *Sexuality Research & Social Policy*, 8(3), 162-182.
- Heidarizadeh, N., Farajollahi, M., & Ismaeili, Z. (2017). Epidemiological and clinical features of social anxiety disorder in Kermanshah students: A cross-sectional study. *Iranian Journal of Epidemiology*, 13(1), 52-59. [In Persian].
- Kalani, S., & Safiri, K. (2017). Youth Identity Challenges in Interaction with Family and Society. Social Problems of Iran (*Journal of Kharazmi University*), 8(1), 97-119.
- Karimian, H. (2008). A glance at juvenile delinquency. *Monthly of Knowledge*, 17(3), 156-141.
- Lundholt, M. W., Maagaard, C. A., & Piekut, A. (2018). Counter narratives. In R. L. Heath, & W. Johansen (Eds.), *the International Encyclopedia of Strategic Communication* Wiley Blackwell.
- Luyckx, K., Schwartz, S. J., Goossens, L., Beyers, W., & Missotten, L. (2019). Processes of personal identity formation and evaluation. In S. J. Schwartz, K. Luyckx, & V. L. Vignoles (Eds.), *Handbook of identity theory and research* (pp. 77-98). Springer Science + Business Media.
- Lyle, M. (2016). The role of counter narratives in the renegotiation of identity: A curricular perspective. *Journal of the Canadian Association for Curriculum Studies* (JCACS), 14(2), 33-42.
- Majdabadi-Farahani, Z., Farzad, V., Shahrarai, M., & Moradi, A. R. (2011). Family functioning, personal identity and problematic behaviors in adolescence. *Developmental Psychology: Iranian Psychologists*, 7(27), 207-217. [In Persian].
- American Psychological Association. (2018). Competitiveness and independence. In *APA dictionary of psychology*. Retrieved January 27, 2021, from <https://dictionary.apa.org/competitiveness>.
- Atadokht, A., Hamidifar, V., & Mohammadi, I. (2014). Pathologic use and type of mobile phone use in high school students and its relationship with academic performance and achievement motivation. *School Psychology*, 3(2), 122-136. [In Persian].
- Azad-Armaki, T., & Akbari, H. (2012). The understanding of the quality of the Iranian society on the basis of young generation's leisure time. *Journal of Social Studies and Research in Iran*, 1(2), 1-22. [In Persian].
- Andrews, M. (2014). Counter-narratives and the power to oppose. In M. Bamberg & M. Andrews (Eds.), *considering counter-narratives: Narrating, resisting, making sense* (pp. 1-6). Amsterdam, the Netherlands: John Benjamins.
- Balvardi, Z., & Abdollahi, M. (2011). Modern self-identity growth rate among adolescent girls case study: Pre-university course, Tehran, 2008. *Women Studies*, 9(27), 143-164.
- Bamberg, M. (2020). Considering counter-narratives. In M. Bamberg & M. Andrews (Eds.), *considering counter-narratives: Narrating, resisting, making sense* (pp. 351-371). Amsterdam, the Netherlands: John Benjamins.
- Bamberg, M., & Andrews, M. (Eds.). (2020). *considering counter-narratives. Narrating, resisting, making sense*. Amsterdam, the Netherlands: John Benjamins.
- Bodner, E., & Cohen-Fridel, S. (2010). Relations between attachment styles, ageism and quality of life in late life. *International Psychogeriatrics*, 22(8), 1353-1361.
- Chaney, D. (1996). *Lifestyles* (1st Ed.). Londn: Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203137468>.
- Cohler, B. J. (1982). *Personal narrative and life course. Lifespan Development and Behavior*, 4, 205-241.
- Demir, M., Şimşek, Ö. F., & Procsal, A. D. (2013). I Am so Happy 'Cause My Best Friend Makes Me Feel Unique: Friendship, Personal Sense of Uniqueness and Happiness. *Journal of Happiness Studies*, 14(4), 1201-1224.

Journal of Specialized Social Science, 11(41), 120-134. [In Persian].

Ryan, R. M. (1993). Agency and organization: Intrinsic motivation, autonomy, and the self in psychological development. In J. E. Jacobs (Vol. Ed.) & R. Dienstbier (Series Ed.), *Nebraska Symposium on Motivation: Vol. 40. Developmental perspectives on motivation* (pp. 1-56). Lincoln: University of Nebraska Press.

Safi-Al-Hosseini, F., Saki, M., Hamed, A., Saadati, H., & Lashkardust, H. (2017). Prevalence of depression among female high school students in Bojnourd in 1393. *Journal of North Khorasan University of Medical Sciences*, 9(4), 48-42. [In Persian].

Şimşek, Ö. F., & Yalınçetin, B. (2010). I feel unique, therefore I am: The development and preliminary validation of the personal sense of uniqueness (PSU) scale. *Personality and Individual Differences*, 49(6), 576-581.

Syed, M. (2015). Theoretical and methodological contributions of narrative psychology to ethnic identity research. In C.E. Santos; A.J. Umana-Taylor (Eds.), *Studying ethnic identity: Methodological and conceptual approaches across disciplines* (pp. 27-54). Washington, DC: APA press.

Marzban, A. (2018). Prevalence of high-risk behaviors among adolescents in Qom in 2016. *Journal of Pars University of Medical Sciences (Jahrom)*, 16(3), 44-51. [In Persian].

McAdams, D. P. (2001). The psychology of life stories. *Review of General Psychology*, 5(2), 100-122. <https://doi.org/10.1037/1089-2680.5.2.100>

McAdams, D. P., & McLean, K. C. (2013). Narrative identity. *Current Directions in Psychological Science*, 22(3), 233-238.

McLean, K. C., & Pasupathi, M. (2019). Narrative identity. In: Levesque R. J. R. (Eds.), *Encyclopedia of Adolescence*. New York, NY: Springer.

McLean, K. C., Shucard, H., & Syed, M. (2016). Applying the Master Narrative Framework to Gender identity development in emerging adulthood. *Emerging Adulthood*, 1-13.

McLean, K. C., Syed, M. (2016). Personal, master, and alternative narratives: An integrative framework for understanding identity development in context. *Human Development*, 58(6), 318-349.

Navidnia, M. (2014). Studying the relationship between social security and life style (A research in Tehran).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی